

یادداشت‌هایی

از عصر پهلوی



علی اصغر حکمت
استاد ممتاز دانشگاه



یکپارچگی

ملت ایران

۱۲

فرهنگ
واحد



قسمت دوم



علی اصغر حکمت

در مقدمه این یادداشت‌ها گفته شد که وحدت ملی يك قوم برهفت پایه اساسی قرار دارد. سه اصل عمده از آن جمله، یعنی نژاد - دین و زبان سابقاً سخن گفته شد. در يك قاعده مکانیکی مقرر است که اگر جسمی بر روی سه پایه قرار گیرد همیشه از خطر سقوط مصون خواهد بود همچنین نظیر همین قاعده در علم الاجتماع نیز مقرر است که بقا و دوام يك ملت که بر روی سه پایه استوار قرار دارد از آفت انحلال و زوال در امان می‌باشد. اما چهار اصل دیگر که آنها نیز بنوبت خود ضامن یکپارچگی و وحدت يك ملتند عبارتند:

- ۱ - فرهنگ واحد یعنی مجموعه آداب و هنرهای ملی.

- ۲ - اقتصاد واحد یعنی نظام اقتصادی معمول در تجارت و زراعت و صناعت.

۳. آموزش واحد یعنی دستگاه خاص تعلیم و تربیت و نظام علمی دانش.

- ۴ حکومت واحد، یعنی اداره امور ملت بدست دولت واحد خاص خود.

اکنون از هر يك از این ارکان اربعه و تطبیق آنها با سیاست اعلیحضرت رضا شاه کبیر نسبت به هر یک از آنها مختصری یادداشت می‌شود.

فرهنگ واحد: فرهنگ خواص و طبیعی ذاتی هر ملت است که کانون وجودی او تکوین یافته و بحد رشد و کمال رسیده همانطور که انواع نباتات هر یکی در نوع خاص خود پرورش می یابد و هر یک شکل و رنگ و بوی مخصوصی دارند انواع آدمیان نیز در بعضی امور لطیف فطری و خصائص عالیه جیلی خود رشد می کنند و از دیگران ممتاز می شوند از اینجا است که فرهنگ را در زبانهای ملل فرنگستان به کولتور Culture تعبیر می کنند یعنی پرورش نباتات و در لغت عرب آنرا الثقافة القومی یا الحرث القومی می گویند یعنی رشد و نمو آداب و خصوصیات ملی .

فرهنگ محصول روح و پرورده نهاد و پدیده ذوق و جلوه فطرت یک ملت است که آنرا از ملل دیگر جدا می سازد از این جهت مجموع لطائف ذوقی و روانی یک قوم مانند گلی است که هر نوع از نباتات رنگ و بوی دیگری دارد .

هنرهای زیبا در هر جامعه رنگی خاص به آن جامعه میدهد در مرتبه اول بزرگ ترین مظهر فرهنگ در شعر ظاهر می شود شعر صورت کمال نمو و درجه اعلاي رشد زبان جامعه را نشان می دهد و عامل نطق که فارق بین انسان و حیوان است مانند ریشه درختی است که چون بمرحله کامل ترقی رسید بصورت شعر در می آید . شعر یعنی افکار و خیالات زیبا در الفاظ و کلمات زیبا اگر کلامی منشور دارای این دو صفت باشد آن خود شعر میباشد مانند « گلستان سعدی » که در حقیقت شعر منشور یا نثر شاعرانه است .

طبع چامه سرائی و قریحه گویندگی در ایران یکی از خصائص نژادی ملت ایران است که از زمان زرتشت تا به عصر فردوسی و از زمان فردوسی تا عصر حاضر همواره گلستانی سر سبز پرورده و رباحین و ازهار خوشبو و معطر و رنگارنگ و بدیع پرورش داده است .

عصر اعلی حضرت رضاشاه کبیر به این لطیفه روحانی و خاصیت ذوقی ایران توجه خاص مبذول شد برای سه تن گویندگان بزرگ چون فردوسی و خیام و حافظ در سنوات ۱۳۱۳ و ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ آرامگاهی باشکوه و زیبا ساخته شد که اکنون باقی و پایدار و زینت تاریخ ادب ایران می باشد و بموازات آن کتابهای شمری از دواوین شعرا و متون مسجع و فصیح در آن دوره بمقدار فراوان طبع و انتشار یافت که آمار آن عدد کثیری را نشان می دهد .

بعضیها می گویند آن شاهنشاه باقتضای خلق و خوی نظامی که سرشته او بود و لازمه آن جد و صراحت است چندان بشعر توجه نمی فرمود این سخن خلاف واقع است او شعر را اهمیت می داد و شعرا را حرمت می گذاشت. در زمان ایشان یکی از اساتید سخن که از مفاخر ادب فارسی است شادروان بهار (ملك الشعرا) زندگی می کرد وی در ابتدای طلوع دولت پهلوی سمت نمایندگی مجلس را داشت و غالباً با نقشه های ایشان در مجلس

شورای ملی مخالفت علی می کرد ولی همواره منظورات ان استاد مورد توجه و ا لطف شاهانه قرار میگرفت و اینک دیوان آن شاعر استاد متضمن قصائد و قطعات بسیار است که در مدح آن شاهنشاه سروده است .

سال ۱۳۰۸ بعد از اینکه راه بین تهران و خوزستان از طریق لرستان تسطیح شد و کوههای مرتفع و جبال شامخ زاگرس را قطع کرد در محل پل دختر برای اولین بار تونلی حفر کردند که وسائط نقلیه از آن گذشته بجانب خوزستان عزیمت نمایند .
شاه با کمال شوق از آن جاده جدید شاهراه بزرگ سفر نمود چون موکب شاهی به آن تونل رسید لحظه ای توقف فرمود با اجازه شاه قطعه شعری از بهار بر فراز طاق دهنه تونل حجاری و بخط نستعلیق کتیبه کرده بودند که هم اکنون باقی و نمودار يك امر تاریخ بزرگه ایران است .

شاه بیکی از حضار فرمودند این را بنخوان و او با کمال فصاحت با صدای غرا آن را قرائت نمود و شاه بسیار مسرور شدند و به آن استاد که در آن جمع غائب بودغائبانه ابراز مرحمت فرمودند .

در آن قطعه شاعر هنری شبیه باعجاز بکار برده و کلمه (رضاشاه) را بدون اضافه و نقصان مطابق سال تاریخ حفر تونل یافته است و آن قطعه این است :

بعهد پهلوی شاه جوانبخت	که بادش دولت و اقبال همراه
بیامد لشکری تا قوم لر را	با داب تمدن سازد آگاه
هم از مرز لرستان شاهراهی	کشد تا خاک خوزستان بدلخواه
بره در پافشاری کرد این کوه	گرفت از فرط نادانی سر راه
با مر خسروش درهم شکستند	وز آن پیدا شد این عالی گذرگاه
بتاریخش بهار از حق مددخواست	بگفتندش ز نام شه مدد خواه
چو شد ز امر رضاشاه کنده این کوه	بجو تاریخش از لفظه رضاشاه ،

۱۳۰۷

* * *

مظهر لطیف دیگری از مظاهر فرهنگ همانا در هنر موسیقی هر قوم نمودار می- شود . ملت باستانی ایران هم بداشتن این خاصیت ممتاز بحد کمال سر افراز است . از روزگاری دیرین که طوائف آریائی بصحرا گردی در طلب مراتع و چرا گاهها بفلات ایران رسیدند و دواب و گوسفندان خود را در جلگهها و دشتهای ایران پرورش می دادند شبانان آن گله را در کنار رودخانهها و انهار و در طرف چمن و مرغزار بچرا گذاشته و خود آلتی از نی اختراع کردند که چون در آن میدمیدند آواز سوزناک بر میخواست

این هنر لطیف در آن قوم هم از آن عهد باستانی پرورش یافت و مدارج ارتقا و تکامل را پیوسته پیمود در حجازیه‌ها و کهنه کاری‌های عصر هخامنشی پیکره‌چهره نوازندگان نقش شده که آلت موسیقی در دست دارند از آن اواخر عهد ساسانی این هنر راه تکامل پیمود تا زمان سلطنت خسرو پرویز که تاریخ مکتوب آن کاملاً روشن است باره یک نوازنده بزرگ از مردم جهرم در دربار خسرو و باهمکار خود نکمسا انواع الحان بدیع و نغمات دلاویز که آنها را ترانه‌های خسروانی می‌گویند چنانکه نظامی وصف نموده بوجود آوردند و هم چنین ادامه داشت.

عربها و مغولها که خود دارای موسیقی کاملی نبودند از ایرانیان این هنر زیبا را اخذ و اقتباس نمودند خانه‌های چنگیزی و تاتارهای تیموری نوازندگان معروف راتریت و نوازش کرده‌اند که نام آنها در تواریخ عصر ایشان بتفصیل مذکور و مسطور است. در عصر صفوی تا قرن نوزدهم پیش میرفت تا در زمان ما نوازندگان نامدار مانند آقا حسینقلی و درویش و اساتید دیگر بوجود آمده و این مائده آسمانی را بالوان الحان گوناگون و با انگشتهای هنرمند خود پرورش دادند و همچنان ادامه دادند.

چون نوبت سلطنت به اعلیحضرت رضا شاه رسید او نیز به اقتضای طبع فطری و هم بعلمت تربیت نظامی به این لطیفه روحانی توجه خاص مبذول میفرمود همه کس یاد دارد که بعد از ظهر روزهای سوم اسفند در اسپه ریس جلایبه که نظامیان رژه میرفتند ساعتی متوالی شاهنشاه ایستاده و دستجات موسیقی که برای هر فوج و گروه معینی تربیت شده بودند بترنم مارش‌های هیجان انگیز می‌پرداختند چشم او بچهره‌های نظامیان بود و گوش او به نغمات نوازندگان متوجه بود و دقیقه‌ای وقفه نداشت.

نغمات دلاویزی که ملت ایران در طول سه هزار سال در میدان رزم و مجالس بزم در عروسی و سور و در عزا و ماتم همراه آن قوم بوده است مدون و تنظیم گردید در زمان اعلیحضرت پهلوی مدرسه عالی موسیقی بدست هنرمندی جوان موسوم به کلنل علینقی وزیر در تحت حمایت ایشان در اوائل سلطنت تشکیل شد در زمانی که نویسنده مأمور خدمت معارف شد اولین فارغ‌التحصیل‌ها و نوازندگان تربیت شده را بیرون داد و از این رو در بهار ۱۳۱۳ مجلس جشنی فراهم ساختیم و به جوان‌های موسیقی دان دیپلم‌ها و جایزه‌ها توزیع شد فردای روز جشن در جلسه هیئت وزرا که در حضور شاهنشاه منعقد شده بود ایشان رو بمن نموده فرمودند: «شنیده‌ام که موسیقی را تشویق می‌کنید البته بسیار کار خوبی است این رویه را ادامه دهید...»

وزارت معارف باستظهار تمایل قلبی شاهنشاه برای تمام مدارس کشور سرودهای گوناگون به ابداع اساتید فن تألیف و تدوین کرد و در سراسر کشور رواج یافت.

از جمله پدیده‌های بزرگ این دوره نظم «سرود ملی» است این نغمه فرح‌انگیز و ایبات آن را مرحوم هاشم‌افسر سروده است و اکنون بر دل و زبان مردم ایران جای دارد. درینا که بر اثر انتشار نتهای موسیقی اروپائی که بایران نفوذ کرده و بوسیله کتب و مطبوعات و بلندگوها تقویت و انتشار یافته و همراه آن شعر نو که تقلید ناقصی از دیگران است بظهور رسیده گروهی از جوانان عصر ما باقتضای حرارت سن شباب که همواره در جستجوی امری بدیع و تازه است هم در شعر و هم موسیقی ابداعات و انحرافات تازه بتقلید از اقدام دیگران کرده‌اند و ضرر فاحشی به این دورکن‌رکن فرهنگ و هنر وارد ساخته‌اند. اما نویسنده عقیده دارد که طبیعت فطری جبلی ایران عاقبت این اغوجاج و کج رویها را در هر دو فن از میان خواهد برد و سرایش شعر و نوازش موسیقی جای فطری و طبیعی خود را در دل و جان ایرانیان استوار خواهد ساخت.

دیگری از مظاهر فرهنگ ایران در هنر معماری مردم آن کشور نمودار است. ساختن خانه‌ها از کلبه‌های روستائیان گرفته تا کاخهای پادشاهان در طول ۲۵ قرن تکامل حاصل کرده است و شکلی و طرحی کامل بوجود آورده است که آثار آن هنوز در قصرها و مساجد در بازارها و کاروانسراها و پلها فراوان است. ملتی که در بدو تاریخ خود عماراتی چون قصر آپادانا و آتشکده فیروز آباد بوجود آورده دارای يك هنر معماری مستقل ملی است که در تواریخ فنون معماری بتفصیل شرح داده شده است.

هر چند در پنج و شش قرن بعد از هجرت دیانت اسلام در ایران انتشار یافت و بغداد مرکز خلافت سرزمین وسیعی گردید که در حدود طبیعی خاک ایران داخل آن بود مذهب و آئین نوین در سبک معماری تحولی ایجاد کرد و سبکی بوجود آمده که در تاریخ بعنوان «سبک معماری اسلامی» نامیده شده است ولی در ایران رنگ اصلی و ملی خود را از دست نداد و مساجد و مدارس و قصور سلاطین که در این اعصار ساخته شده نشان می‌دهد که بعینه مانند زبان فارسی که با زبان عرب امتزاج حاصل کرد معماری ایران نیز بسبک اسلامی با اسلوب جدید آمیزش یافت و صورت نوینی حاصل کرد این سبک و کیفیت معماری بحد کمال رسید بطوری که بر دیگر ممالک اسلامی برتری یافت. مساجدی مانند جامع عتیق شیراز و مسجد جمعه اصفهان و بنای مرقد امام هشتم همه شاهکار و نمونه اصیل معماری این عصر است.

بعلمت این عامل لطیف فرهنگی تمام فنون مربوط و منسحب از آن مانند حجاری گچ بری و کاشی کاری و مینیاتورسازی رونقی بسزایافت.

اعلیحضرت شاهنشاه از توجه باین هنر بدیع و صنعت ظریف غافل نماندند بلکه سعی مخصوص مبذول فرمود که در ایران ابنیه بسیار که کما و کیفاً دارای کمال باشد ساخته گردد خانه خودشان و قصر سلطنتی نماینده این علاقه است . کاخ مرمر در تهران ظریف ترین ابنیه عصر آن شاهنشاه است در موازات ابنیه سلطنتی هزاران بنای دیگر از پادگانه‌های نظامی و ایستگاههای راه آهن و هتل‌های نو بنیاد در تهران و مازندران و عمارات دبستانها و دبیرستانها و بالاخره ساختمان دانشگاه تهران و ابنیه مخصوص وزارتخانه‌ها مانند کاخ دادگستری و عمارت وزارت خارجه و بنای پستخانه مرکزی همه و همه آثار عصر مبارک اوست .

طاقهای ضربی و طولانی و گنبدهای مدور و مرتفع که از خصائص ابنیه هنر اسلامی است در این بناها با ترکیب عناصر جدید که باقتضای زمان با اقتباس از ابنیه فرنگستان و رعایت شرائط فنی و اقلیمی وجود آن الزامی بود بظهور رسید . این نویسنده بخاطر دارم که در سال ۱۳۱۴ که کاخ سعد آباد بنا شد در جنب آن دره باصفا و نزهت انگیز در بندرونی پیدا کرد و شهرداری تهران اعلامیه‌ای منتشر و اعلام داشت هر کس از افراد مملکت بنای زیبایی در آن دره بسازد که از لحاظ فنی و ظرافت دارای ارزش باشد مبلغ یک هزار تومان بمنوان جایزه از شخص شخیص شاهنشاه باو اعطا خواهد شد .

این نویسنده در جلسات مکرر مورد پرسشها قرار می‌گرفتم که از من درباره پیشرفت ساختمانهای وزارت معارف سؤال می‌کردند از جمله بعد از آنکه ورزشگاه امجدیه در ۱۳۱۶ و استادیوم آن ساخته شد ایشان شخصاً بدون اطلاع قبلی به آنجا رفته و پس از معاینه و تحقیق از وضع و ابتکار آن خشنود گشته و فوراً بوزارت کشور امر فرمودند که تمام استانها ابلاغ نمایند در هر شهر بزرگ از طرف شهرداریها ورزشگاههایی بهممان سبک برای تربیت جسمانی جوانان بنا نمایند . و نیز بیاد دارم که روزی در جلسه هیئت وزیران نقشه ساختمان پل جدید اهواز بر روی کارون بعرضشان رسید و تصویب شد . میفرمودند: « این پل که سهل است هر پل دو متری و هر دیوار کوتاه نزد من اهمیت دارد زیرا که برای ایران باقی خواهد ماند . » (ادامه دارد)